

بررسی تطبیقی مبانی «جهانی بودن دین» در مسیحیت کاتولیک و تشیع

valiabarghoei@gmail.com
Taheri-akerdi@iki.ac.ir

محمدباقر ولی ابرقویی / دانش‌پژوه کارشناسی ارشد دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
محمدحسین طاهری آکردی / استادیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی**
دریافت: ۹۵/۱۲/۳ - پذیرش: ۹۶/۵/۱۵

چکیده

«جهانی بودن دین» یعنی: ظرفیت‌هایی که یک دین برای حکومت جهانی دارد. این موضوع از مباحث پرچالش در میان اندیشمندان مسلمان و کاتولیک است، اما تاکنون به صورت تطبیقی میان مسیحیت و اسلام بررسی نشده است. این تحقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های مبانی جهانی بودن دین در تشیع با کاتولیک را به صورت توصیفی و تحلیلی پیش‌روی می‌نهد. مبانی جهانی بودن مسیحیت کاتولیک با مبانی جهانی بودن تشیع در ادله نقلی جهانی بودن و جاودانگی شباهت دارند. در هر دو، عبارات دال بر جهانی بودن کتابی مقدس است، اگرچه در مسیحیت، عباراتی که از حضرت عیسی علیه السلام بر جهانی بودن دلالت دارد، دچار تناقض است. این در حالی است که همه مبانی جهانی بودن در تشیع، به طور کامل هماهنگ است. در تشیع، مبانی جهانی بودن، هم عقلی است و هم مبتنی بر آیات قرآن و روایات. اما در مسیحیت، مبانی جهانی بودن دین کاملاً هماهنگ نیست و گاهی تعارض دارد. ناگفته نماند که برخی از مبانی مختص تشیع است، درحالی که مسیحیت از این مبانی محروم است.

کلیدواژه‌ها: بررسی تطبیقی، مبانی، جهانی بودن، مسیحیت کاتولیک، تشیع.

مقدمه

جهانی‌شدن روند طبیعی حرکت جامعه جهانی به سمت اتحاد و اشتراک جهانیان در فرهنگ، ارزش‌ها، اقتصاد و امنیت بدون دخالت عوامل خارجی است. جهانی‌سازی نیز برنامه‌هایی است که استعمار برای یکسان‌سازی و تسلط بر جهان ارائه می‌کند (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸). از این رو، باید بین حوزه‌های جهانی‌بودن، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی تفکیک قایل شد. در این تحقیق، فقط به «جهانی‌بودن» توجه می‌شود.

– در منابع تشیع، کمتر به تبیین معنای اصطلاحی «تشیع» عنایت شده است. در لغت، عبارت «تَشْيَعُ الرَّجُلُ» به این معناست که وقتی کسی ادعای شیعه‌بودن کند، گفته می‌شود «شیعه» شده است (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۶۰؛ جوهری، بی‌تا، ص ۱۲۴۰). در اصطلاح، بیشتر به معنای واژه «شیعه» توجه شده است. در اصطلاح، «شیعه» به کسانی گفته می‌شود که از امام علی علیه السلام پیروی نموده، امامت و خلافت ایشان را تعیین می‌دانند و آن را از طریق نص قبول دارند (شهرستانی، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۳۱). در عین حال، برخی از منابع به تبیین اصطلاح «تشیع» همت گمارده‌اند. برای نمونه، در کتاب *التشیعة فی المیزان* آمده: «تشیع» عبارت است از: ایمان به وجود نصّ از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله بر امامت امام علی علیه السلام و خلافت ایشان، بدون آنکه در حق ایشان یا فرزندان‌شان غلو شده باشد (مغنیه، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). در این تحقیق، مراد از تشیع، ایمان به وجود نص بر امامت و خلافت بلافصل امام علی علیه السلام و یازده امام از نسل ایشان است.

– «کاتولیک» نیز معانی متفاوتی دارد که در اساس‌نامه «کنکیزم» بیان شده است. در اینجا، مراد از «کاتولیک» همان فرقه معروف در مسیحیت است که تاریخ آن به سده اول مسیحیت بازمی‌گردد.

پس از تبیین اصطلاحات، مسئله اصلی پژوهش این است که مبانی جهانی‌بودن دین در مسیحیت کاتولیک و تشیع چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی با هم دارند. سؤال‌های فرعی پژوهش نیز – به ترتیب – عبارت است از: «جهانی‌بودن» در مسیحیت و اسلام به چه معناست؟ مبانی جهانی‌بودن در مسیحیت و اسلام چیست؟

تاکنون این مسئله در سطح مقاله و پایان‌نامه‌ها بررسی نشده است. نوآوری این تحقیق آن است که شباهت‌ها و تفاوت‌های مبانی

مسیحیت کاتولیک، مانند مذهب تشیع، ادعای جهانی‌بودن دارد (کنکیزم، ۱۹۹۹، ص ۱۹۴). از نظر منطقی، جهانی‌بودن در عالم خارج، یک مصداق بیشتر نخواهد داشت که با برپایی حکومتی واحد، توسط رهبری واحد، بر امتی واحد محقق خواهد شد. برای حرکت به سمت جهانی‌بودن توحیدی، باید از ظرفیت‌های نفوذ ایدئولوژی تشیع در جهان، اطلاع کافی به دست آورد تا بتوان در راستای حکومت جهانی قدم نهاد. سپس باید با شناخت کامل از ظرفیت‌های ادیان دیگر، از نقاط قوت آنها بهره برد تا از ضعف اجتناب شود. بدون شک، جهانی‌بودن تشیع با موضع انفعالی محقق نمی‌شود. بنابراین، برای رسیدن به حکومت جهانی موعود، باید ظرفیت‌های درونی تشیع را تقویت کرد. شناختن و شناساندن ظرفیت‌های جهانی‌بودن تشیع و مسیحیت کاتولیک، مثل مهدویت، ملکوت خدا، ولایت تکوینی و تشریحی معصومان علیهم السلام موجب افزایش همگرایی میان فرق اسلامی، بلکه میان بشریت خواهد بود تا حقانیت هر یک روشن شود. این نوشتار درصدد آن است که مبانی جهانی‌بودن در مسیحیت کاتولیک و تشیع را بررسی کند. پس از تبیین مبانی، به تطبیق و بررسی آن پرداخته خواهد شد.

پیش از طرح مسئله اصلی، برخی از اصطلاحات باید تبیین شود: – مراد از «بررسی تطبیقی»، مقایسه یک پدیده با پدیده دیگر بر اساس معیارهایی است که یک محقق در نظر می‌گیرد. در بررسی تطبیقی، هر محقق می‌تواند بر اساس اصول، پیش‌فرض‌ها و معیارهای از پیش تعیین شده به مقایسه حالات دو یا چند پدیده بپردازد. در این تحقیق، تلاش شده است تا مبانی جهانی‌بودن مسیحیت کاتولیک و جهانی‌بودن تشیع به صورت تطبیقی بررسی شود. با این روش، نقاط قوت و ضعف مبانی جهانی‌بودن در هر دو آیین بهتر شناخته می‌شود.

– مراد از «مبانی»، زمینه‌ها و پیش‌فرض‌هایی است که جهانی‌بودن دین بر آن مبتنی است. از این رو، مبانی شرط ضروری تحقق جهانی‌بودن دین است و باید بررسی و تبیین شود.

– «جهانی‌بودن» اصطلاحی است که در ادبیات دینی به کار می‌رود؛ چنان که «جهانی‌شدن» و «جهانی‌سازی» نیز دو اصطلاح رایج در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است. مراد از «جهانی‌بودن دین»، ظرفیت‌هایی است که یک دین برای حکومت جهانی دارد.

جهانی‌بودن دین در تشیع با کاتولیک را به صورت توصیفی و تحلیلی بررسی و ذکر می‌کند.

مبانی جهانی‌بودن مسیحیت کاتولیک

جهانی‌بودن مسیحیت کاتولیک بر مبانی متعددی استوار است. برخی از مبانی، به صورت فرضی مطرح می‌شود. برخی نیز در منابع دینی مسیحیت، پشتوانه نقلی دارد. مهم‌ترین مبانی جهانی‌بودن دین در مسیحیت کاتولیک - که می‌توان فرض نمود - عبارت است از: (۱) خاتمیت؛ (۲) جامعیت؛ (۳) جاودانگی؛ (۴) جهانی‌بودن در کلام عیسی؛ (۵) جهانی‌بودن در کلام رسولان.

خاتمیت

اگر ادعا شود که «خاتمیت» مبانی جهانی‌بودن مسیحیت است، دو سؤال ممکن است مطرح شود: یکی علت انتخاب خاتمیت، به عنوان مبانی جهانی‌بودن دین؛ و دیگری اصل اثبات خاتمیت در مسیحیت. پاسخ سؤال اول این است که اگر اثبات شود آخرین دین حق الهی است، جهانی‌بودن آن عقلاً اثبات می‌شود. اعتقاد به خاتمیت یک دین، حقانیت ادیان و شرایع جدید را زیر سؤال می‌برد. نکته قابل توجه این است که اصل اثبات خاتمیت دین، نقلی است. از این رو، برای اثبات خاتمیت، باید دلیل نقلی معتبر و صریح اقامه شود.

پیش از پرداختن به پاسخ سؤال دوم، یادآوری این نکته لازم است که هر دین جدیدی با پذیرش دین قبلی و مکمل دانستن خود، حقانیت خود را در کتاب‌های مقدس پیشین جست‌وجو می‌کند. مسیحیت نیز حقانیت خود را در عهد عتیق دنبال می‌کند. در این باره، حضرت عیسی در موعظه روی کوه می‌فرماید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیا را منسوخ کنم. من آمده‌ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم» (متی، ۵: ۱۷). همچنین در انجیل متی، پیش‌گویی اشعای نبی و پیغام خدا درباره بشارت به تولد عمانوئیل از دختری باکره آمده است (متی، ۱: ۲۲ و ۲۳؛ توفیقی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲). مسیحیان معتقدند: مراد از «عمانوئیل» همان عیسی مسیح است. براین اساس، او خود را به عنوان آخرین منبع سنت‌های جدید عرضه کرد که قادر به پدیدآوردن کلیسا یا جامعه مسیحیان بود (لیندسی، ۲۰۰۵، ص ۶۹۴). برای اثبات خاتمیت در مسیحیت، دو راه می‌توان فرض نمود: راه

اول، اطلاق‌گیری از دستور عیسی^ﷺ به حواریون برای ابلاغ بشارت به همه امت‌ها در سراسر جهان است. در انجیل متی آمده است: «پس بروید و تمام قوم‌ها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح‌القدس، غسل تعمید دهید.» (متی، ۲۸: ۱۹). ایشان در دستور خود، پایانی برای این مأموریت مشخص نکرد. با نبود قرینه برای تقیید این اطلاق، خاتمیت رسالت ایشان را می‌توان برداشت نمود (صانعی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶).

راه دیگر، ملکوت خدا و داوری در آخرالزمان است. «ملکوت خدا» وعده‌ای است که عیسی^ﷺ تحقق آن را به حواریون و سایر مسیحیان داد و برای تحقق آن تلاش نمود. ملکوت مرئی مسیح، نه تنها شامل همه کسانی می‌شود که به دیانت حقیقی اقرار دارند، بلکه دربرگیرنده همه نظام‌هایی است که در برابر حکومت مسیحی تسلیم باشند (هودج، ۱۸۹۰، ج ۳، ص ۲۸۳). بنابراین، ملکوت خدا جهانی است. اگرچه ایشان در تحقق ملکوت خدا موفق نبود، اما در ملکوت باطنی، که در آینده محقق خواهد شد، برای برقراری صلح در جهان و اجرای داوری میان بندگان خدا خواهد آمد. از آنجاکه ملکوت خدا جهانی است، اجرای ملکوت باطنی و داوری میان بندگان خدا توسط عیسی^ﷺ می‌تواند به معنای خاتمیت رسالت ایشان باشد (صانعی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶).

جامعیت

موضوع دیگری که در ذیل عنوان «خاتمیت» به آن توجه شود، «جامعیت» است. تنها در صورتی یک دین می‌تواند ادعای خاتمیت و جهانی‌بودن را مطرح کند که در حوزه‌های احکام، عقاید و اخلاق جامعیت داشته باشد. کلیسای کاتولیک مدعی است که در همه حوزه‌ها جامعیت دارد. واژه «کاتولیک» نیز به خاطر جامعیت و معتبر بودن تعالیم این کلیسا به کار می‌رود (کانینگام، ۲۰۰۹، ص ۱۷).

تبشیر عیسی^ﷺ فقط در حوزه دین و احکام شریعت نبود، بلکه ایشان در تبیین عواقب سرپیچی از دستورات الهی، به نقش احکام شریعت در رسیدن به سعادت دنیوی نیز می‌پردازد (قادری، ۱۳۹۰، ص ۹۲-۹۳). همچنین ایشان در تبیین نتایج دنیوی سرپیچی از دستورات شریعت، بر لزوم رعایت اخلاق تأکید می‌کند؛ در این باره می‌فرماید: «گفته شده است که هر کس مرتکب قتل شود، محکوم به مرگ است. اما من می‌گویم که حتی اگر نسبت به برادر خود

الهی دیگری وجود نخواهد داشت» (ویر، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۲۳-۶۲۴). با این توضیح، با اثبات جاودانگی و عدم نسخ یهودیت و ضمیمه کردن نقش مکملی بودن عهد جدید نسبت به عهد عتیق، جاودانگی عهد جدید اثبات می‌شود؛ زیرا عهد جدید، ادامه‌دهنده عهد عتیق با پیمانی جدید است (صانعی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶-۱۷۷).

همچنین در جاهایی از عهد جدید، به ابدی بودن انجیل تصریح شده است. انجیل متی می‌گوید: «ما را از وسوسه‌ها دور نگاه دار و از شیطان حفظ فرما؛ زیرا ملکوت و قدرت و جلال تا ابد از آن توست. آمین» (متی، ۶: ۱۳). در انجیل متی و مرقس آمده است: «آسمان و زمین از بین خواهد رفت، اما کلام من تا ابد باقی خواهد ماند» (همان، ۲۴: ۳۵؛ مرقس، ۱۳: ۳۱). نکته مهم این است که ابدیت یک دین، مستلزم خاتمیت آن خواهد بود.

جهانی بودن در کلام عیسی مسیح

برخی از عبارات عهد جدید گستره رسالت عیسی را جهانی معرفی می‌کند. برخی نیز بر اختصاص آن به بنی اسرائیل دلالت دارد. برای نمونه، عبارات ذیل بر جهانی بودن رسالت ایشان دلالت دارد:

– «سپس به ایشان گفت: حال باید به سراسر دنیا بروید و پیغام انجیل را به مردم برسانید. کسانی که ایمان بیاورند و غسل تعمید بگیرند، نجات می‌یابند؛ اما کسانی که ایمان نیاورند، داوری خواهند شد» (همان، ۱۶: ۱۵ و ۱۶).

– «شاگردان به همه جا رفته، پیغام انجیل را به همه رساندند» (همان، ۱۶: ۲۰).

در عین حال، عباراتی در عهد جدید وجود دارد که بر اختصاص رسالت عیسی بر قوم اسرائیل دلالت دارد. برای نمونه، در انجیل مرقس، عیسی فرمود: «من باید نخست قوم خود، یعنی یهودیان را یاری کنم» (مرقس، ۷: ۲۷-۳۰). ایشان رسالت خود را به بنی اسرائیل نسبت داده است. این تعبیر گویای آن است که ایشان در ابتدای رسالت، مأمور هدایت قوم اسرائیل بوده است.

بنابراین، میان عباراتی که بر جهانی بودن و عباراتی که بر قومی بودن مسیحیت دلالت دارد، تعارض وجود دارد. راه حل تعارض میان این دو دسته از عبارات، این است که مراد از جهانی بودن مسیحیت را جهانی بودن از نظر گستره جغرافیایی بدانیم. مسیحیت در زمان حیات عیسی از نظر جغرافیایی جهانی بود، نه آنکه آخرین

خشمگین شوی و بر او فریاد بزنی، باید تو را محاکمه کرد؛ و اگر برادر خود را «ابله» خطاب کنی، باید تو را به دادگاه برد؛ و اگر به دوستت ناسزا بگویی، سزایت آتش جهنم است. پس اگر نذری داری و می‌خواهی گوسفندی در خانه خدا قربانی کنی، و همان لحظه به یادت آمد که دوستت از تو رنجیده است، گوسفند را همان‌جا نزد قربان‌گاه رها کن و اول برو و از دوستت عذرخواهی نما و با او آشتی کن. آن‌گاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم دار» (متی، ۵: ۲۱-۲۴). همچنین در جاهای دیگری به حکم زنا، طلاق، دروغ، قصاص، و حب و بغض پرداخته شده است (متی، ۵: ۲۵-۴۸).

از کنار هم گذاشتن مجموع عبارات عهد جدید و تأکید عیسی بر لزوم رعایت احکام، حدود و اخلاق، می‌توان جامعیت مسیحیت را برداشت نمود. گناه‌آلودگی بشر فقط به جنبه نیاز اخروی بشر و به مسئله نجات انسان مربوط می‌شود. برای برآورده شدن نیازهای دنیوی در مسیحیت کاتولیک، اخلاق مسیحی ضرورت دارد. بنابراین، می‌توان گفت: مسیحیت کاتولیک، هم از نظر اخروی و هم دنیوی جامعیت دارد.

جاودانگی

خاتمیت مستلزم جاودانگی است. این به معنای آن است که اگر دینی آخرین دین الهی باشد، جاودانه نیز خواهد بود. حکمت الهی اقتضا می‌کند دینی که قرار است آخرین شریعت برای نجات بشر باشد، تا ابد بدون تحریف باقی بماند، وگرنه غرضی که از خلقت انسان و جهان در نظر گرفته شده است، نقض خواهد شد. درباره جاودانگی تعالیم مسیحیت، از عیسی چنین نقل شده است: «واقعاً به شما می‌گویم که تا زمانی که آسمان و زمین از بین نرفته‌اند، نه یک ذره و نه به اندازه سر حرفی زایل نخواهد شد» (متی، ۵: ۱۸).

ممکن است چنین ادعا شود که برای جاودانگی مسیحیت، می‌توان از جاودانگی عهد عتیق کمک گرفت؛ با این توضیح که بر اساس کتاب مقدس، مسیحیت خود را مکمل یهودیت می‌داند (متی، ۵: ۱۷). با اثبات جاودانگی عهد عتیق، عهد جدید نیز جاویدان خواهد بود. در اعتقادنامه یهودیان، که توسط موسی بن میمون (۱۲۰۴-۱۱۳۵) نوشته شده است، درباره جاودانگی شریعت موسی (تورات) چنین آمده است: «موسی رئیس همه پیامبران بوده و نبوت ایشان صحیح است... کتاب تورات هرگز تغییر نمی‌کند و هرگز شریعت

شامل سایر افرادی می‌شود که مانند حواریون، دارای کرامت بوده، به تعلیم مردم می‌پرداختند (بستانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۹۴)؛ مانند تیطوس که توسط پولس به قرتیان، و مانند تیموتائوس و اپافرودیتوس که به فیلیپی فرستاده شدند (دوم قرتیان، ۸: ۲۲؛ فیلیپیان، ۲: ۱۹-۲۷). تا پیش از رستاخیز، مأموریت رسولان علنی نبود. بنا بر عهد جدید، عیسی علیه السلام تا چهل روز پس از مرگ خود، بارها خود را بر رسولان ظاهر ساخت تا نشان دهد که زنده شده است و درباره ملکوت خدا با آنها سخن گفت (اعمال رسولان، ۱: ۱-۳). تا اینکه هفت هفته پس از مرگ و رستاخیز، همزمان با عید پنطیکاست، مطابق وعده عیسی علیه السلام، نزول روح القدس بر آنها تحقق پیدا کرد؛ به آنها قدرت داد و وجود آنها پر از روح القدس شد (همان، ۲: ۱-۴).

پس از رستاخیز و با نزول روح القدس، کلیسای نخستین شکل گرفت (هرست، بی‌تا، ص ۵). از آن زمان بود که رسولان بر گستره جهانی مسیحیت تأکید کرده، به رسالت جهانی خود عمل نمودند. دلیل بر رسالت جهانی رسولان، خطاب عام عیسی علیه السلام به حواریون پس از رستاخیز بود: «پس بروید و تمام قوم‌ها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس غسل تعمید دهید» (متی، ۲۸: ۱۹). تنها پطرس بود که با وجود پذیرش رسالت جهانی مسیحیت، موفق نشد به تشریح در غیر بنی‌اسرائیل بپردازد. درباره مقام پطرس، می‌توان به خطاب عیسی علیه السلام به وی به نقل از انجیل متی اشاره کرد که جانشینی و جایگاه ویژه وی را در میان رسولان نشان می‌دهد (همان، ۱۶: ۱۸ و ۱۹). اصل رسالت پطرس به طور خاص، از عهد جدید فهمیده می‌شود. عیسی علیه السلام خطاب به وی می‌فرماید: «اما من برای تو دعا کردم تا ایمانت از بین نرود. پس وقتی توبه کردی و به سوی من بازگشتی، ایمان برادرانت را تقویت و استوار کن» (لوقا، ۲۲: ۳۲). این عبارت، رسالت پطرس را به طور خاص اثبات می‌کند.

با این حال، دلیل بر رسالت جهانی پطرس، اول خطاب عام عیسی علیه السلام پس از رستاخیز بود. دلیل دوم، که به طور خاص، رسالت جهانی پطرس را نشان می‌دهد، مکاشفه‌ای است که بر اساس اعمال رسولان برای وی روی داد. در آن مکاشفه، به پطرس گفته شد که از هر نوع حیوانی که می‌خواهی ذبح کن و بخور، با اینکه در میان آنها، حیواناتی بود که خوردنشان بر یهودیان حرام بود (اعمال رسولان، ۱۰: ۹-۱۳). همچنین در این مکاشفه، به وی نشان داده

دین حق الهی باشد. همچنین عباراتی که رسالت ایشان را به قوم اسرائیل اختصاص می‌دهد، احتمال دارد که مربوط به روزهای نخست رسالت باشد. به طور طبیعی، هر دعوتی از میان قوم خاصی شروع می‌شود تا پایه‌های آن شریعت، مستحکم گردد، سپس به نقاط دیگر منتشر می‌شود (میلر، بی‌تا، ص ۲۶).

از این رو، طبیعی بود که عیسی علیه السلام رسالت خویش را از قوم خود آغاز کند و دست به دعوت جهانی نزند. ایشان به طور طبیعی، در منطقه‌ای خاص زندگی می‌کرد. پیام محبت قهراً ابتدا باید به عده محدودی ابراز می‌شد. برای استحکام و پیشرفت پیام انجیل، خداوند ابتدا بنی‌اسرائیل را انتخاب کرد. این به آن معنا نبود که محبت خداوند فقط مختص به قوم اسرائیل است، بلکه خداوند پیام خود را به قوم اسرائیل فرستاد تا بعداً خود پیام عیسی را به همه مردم ابلاغ کند (همان، ص ۲۶). از این رو، ممکن است دعوت بنی‌اسرائیل دلیل بر اختصاص رسالت ایشان به بنی‌اسرائیل نباشد.

بیشتر محققان کتاب عهد جدید معتقدند: با اینکه مسیح علیه السلام در فضای یهودی و در حالت انزوا به سر برد، اما برتری قوم یهود را قبول نداشت و با این باور که نجات فقط مختص یهودیان باشد، مخالفت می‌کرد. علاوه بر این، معتقد بود که حکومت خدا، شامل همه انسان‌ها، از شرق تا غرب عالم و در همه عصرها، می‌شود (وارد و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸). بنابراین، از کلمات عیسی علیه السلام احتمال جهانی بودن به معنای گستره جغرافیایی جهانی استفاده می‌شود، اگرچه در ابتدای رسالت خود، به سبب خفقان سیاسی، قادر به گسترش رسالت خود به غیر بنی‌اسرائیل نبود.

با این حال، عباراتی درباره جاودانگی از عیسی علیه السلام نقل شده است که بر جهانی بودن رسالت ایشان دلالت می‌کند. جاودانگی نیز از مبانی جهانی بودن است. با اثبات جاودانگی، جهانی بودن نیز ثابت می‌شود. برای نمونه، در عهد جدید آمده است: «آسمان و زمین از بین خواهد رفت، اما کلام من تا ابد باقی خواهد ماند» (متی، ۲۴: ۳۵؛ مرقس ۱۳: ۳۱). این عبارت، احتمال جهانی بودن به معنای صحیح آن را تقویت می‌کند.

جهانی‌بودن در کلام رسولان

مراد از «رسولان»، دوازده شاگرد عیسی علیه السلام هستند که آنها را برای تعلیم انجیل و بشارت مسیحی به سوی مردم فرستاد. همچنین

متواتر نبوی از طریق شیعه و اهل سنت نیز آمده است: «تو (علی) نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی؛ جز آنکه بعد از من هیچ پیامبری نیست» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۵۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۳۲؛ ج ۲، ص ۳۰۷) (با اختلاف در تعبیر)؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۰۷؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ص ۹۶ و ۱۷۴ و ۳۲۴ و ۴۰۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق - ب، ص ۵۷؛ ۱۴۱۳ق - الف، ج ۱، ص ۵۱ و ۵۹ و ۱۳۶ و ۱۴۹ و ۱۶۹ و ۲۵۵؛ ج ۲، ص ۲۸۹ و ۳۳۰ و ۴۵۱).

همچنین نعیم بن حماد و ابونعیم از طریق مکحول از امیرمؤمنان علیؑ نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: «گفتم: ای رسول خدا، آیا مهدی از بین ما آل محمدؐ است یا از بین غیر ما؟ فرمود: نه، بلکه از بین ماست. خداوند همچنان که دین را به وجود او گشود، به وجود او ختم خواهد کرد» (شبلنجی و صبان، ۱۴۲۶ق، ص ۱۷۱؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۷۳).

خاتمیت، از این نظر مبنای جهانی بودن قرار گرفته است که سلسله نبوت باید در نقطه‌ای ختم شود، و گرنه ظهور متعدد پیامبران و طرح آموزه‌های گوناگون، موجب اختلاف مردم و انشعاب ادیان و مذاهب گوناگون خواهد شد. با افزایش ادیان و مذاهب، زمینه اختلافات دینی و مذهبی و بدعت فراهم می‌شود. به دنبال آن، ادعای انحصار راه هدایت در هر آیین و تکفیر دیگران مطرح می‌شود. در نهایت، همه انسان‌ها از مسیر حق فاصله گرفته، برخلاف هدف نبوت حرکت خواهند کرد؛ چنان که امروزه نیز تعدد ادیان و مذاهب، معلول اختلاف تفاسیر و برداشت‌های مخاطبان و تحریفات است. در واقع، خاتمیت مهر باطلی بر تکثر ادیان و اختلافات بدعت‌ها خواهد بود (قدردان قراملکی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۲-۴۷۴).

از سوی دیگر، اگر دین اسلام دین خاتم باشد - چنان که این گونه نیز هست - به طور قطع، باید جهانی نیز باشد؛ زیرا اگر آخرین دین، دین جهانی نباشد، نباید سلسله نبوت و شریعت قطع می‌شد. برای خاتمیت، باید دلیل نقلی معتبر اقامه شود. در این باره، فقط اسلام است که دلیل نقلی معتبر دارد. سایر ادیان، دلیل صریح و محکم نقلی ندارند.

(۲) جامعیت

مهم‌ترین رکن جاودانگی اسلام، جامعیت و توجه به همه جوانب مادی، روحی، فردی و اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در

شد که نباید کسی را نجس بداند. بدین‌روی، پطرس بر خلاف قوانین یهودی، به خانه گرنیلیوس رومی رفت که غیریهودی بود (همان، ۱۰: ۲۷-۲۹). پطرس در شورای اورشلیم، به رسالت جهانی خود تصریح می‌کند: «برادران، شما همه می‌دانید که از مدت‌ها پیش، خدا مرا از میان خودتان انتخاب کرد تا پیغام انجیل را به غیریهودیان برسانم» (همان، ۱۵: ۷).

در میان رسولان، نقش پولس در انتشار مسیحیت بسیار برجسته است. وی در گذشته، یک یهودی فریسی از طایفه «بنیامین» بود که در اجرای واجبات دینی، سخت‌گیر بود و مسیحیان را آزار و شکنجه می‌داد (فیلیپیان، ۳: ۵-۶). در یکی از سفرها، که به قصد آزار مسیحیان رفته بود، مکاشفه‌ای برایش روی داد. در آن مکاشفه، عیسیؑ به وی فرمود: «منتظر دستور من باش» (اعمال رسولان، ۹: ۱-۶). اصل رسالت پولس و گستره جهانی آن در مکاشفه‌ای صورت گرفت. عیسیؑ در عالم رؤیا به حنانيا (شخصی مسیحی در دمشق) فرمود: «برو و آنچه می‌گویم انجام بده؛ چون او (پولس) را انتخاب کرده‌ام تا پیام مرا به قوم‌ها و پادشاهان و همچنین بنی‌اسرائیل برساند» (همان، ۹: ۱۵). پولس در انطاکیه به تبلیغ در میان یهودیان و غیریهودیان پرداخت و نجات را شامل یهودیان و غیریهودیان معرفی کرد. پولس و برنابا به قدری مردم را به آیین مسیحی وارد کردند که برای اولین بار، تعداد مسیحیان انطاکیه بیش از شهرهای دیگر شد و غیریهودیان به مسیحیت گرویدند (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۶۸۲).

مبنای جهانی بودن تشیع

مراد از «مبانی»، اصولی است که جهانی بودن تشیع بر آنها پی‌ریزی شده است و زیربنای آن محسوب می‌شود. مبانی و زمینه‌های جهانی بودن تشیع عبارت است از: (۱) خاتمیت؛ (۲) جامعیت؛ (۳) جاودانگی؛ (۴) جهانی بودن در آیات و روایات.

(۱) خاتمیت

«خاتمیت» چه به معنای خاتمیت پیامبر اکرمؐ و چه به معنای خاتمیت شریعت اسلام، هر دو از آیات قرآن و احادیث استفاده می‌شود. در این باره، قرآن می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰). در حدیث

حلال نبوده است - یا فرموده باشند: برای هیچ پیامبری پیش از من حلال نبوده است؛ و دربرگیرنده همه کلمات به من داده شده است.» از امام باقر^ع سؤال می‌شود: مراد از «دربرگیرنده همه کلمات چیست؟» ایشان می‌فرمایند: «قرآن» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۳۲۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۷۴). امام صادق^ع نیز می‌فرمایند: «خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، از چیزی که مورد نیاز مردم بوده است کم نگذاشته، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید، همه نیازمندی‌های بشر را خدا در آن نازل کرده است» (صدرالمآلهین، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۲۴).

بنابراین، در آیات و روایات، بر جامعیت اسلام نسبت به همه چیز تأکید شده است. هر دینی که اثبات شود که کامل‌ترین و جامع‌ترین دین میان ادیان است، آن دین، جهانی خواهد بود؛ زیرا دین جهانی باید پاسخ‌گوی همه مسائل مورد نیاز جامعه باشد. دین اسلام نه تنها پاسخگوی منطقه نزول قرآن بوده، بلکه برای سایر مناطق نیز کارایی کاملی داشته است.

۳) جاودانگی

جاودانگی مبنای مهم جهانی‌بودن تشیع است که در روایات به آن تصریح شده است. از جمله روایاتی که بر جاودانگی دلالت دارد، روایت «حلال محمد حلال و حرامه حرام الی یوم القیامه» است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۸). همچنین امام رضا^ع به نقل از پدرانشان، از رسول خدا^ص فرمودند: «... سپس حکومت او را دوام‌دار ساخته، دولت ایام را تا روز قیامت از آن اولیای خودم قرار خواهم داد» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۶؛ قندوزی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۸۶).

ارتباط جاودانگی با جهانی‌بودن تشیع، این‌گونه قابل تبیین است که هر شریعتی جاودانه باشد، عقلاً باید پاسخگوی نیازهای بشر برای همیشه باشد، و اگر دین جاویدان، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین نباشد، ختم نبوت موجب گمراهی انسان‌ها خواهد شد. هر دینی که آخرین دین الهی باشد، باید نسبت به همه ادیان سابق کامل‌تر و جامع‌تر باشد. در غیر این صورت، هدف آن دین برآورده نمی‌شود. در نتیجه، آخرین و کامل‌ترین دین، دین جهانی خواهد بود. اگر دین کامل‌تر، دین جهانی نباشد، خاتمیت آن دین قابل تردید بوده، اثبات نخواهد

قرآن، بر جامعیت اسلام تأکید شده است. آیه ۳ سوره «مائده» به‌روشنی بر کمال و جامعیت اسلام دلالت دارد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». مطابق تفسیر علامه طباطبائی در ذیل این آیه، کمال دین ملازم با جامعیت است، و به دینی که جامع نباشد، نمی‌توان عنوان «کامل» را اطلاق کرد (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۳۳). آیات دیگر عبارت است از: «مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف: ۱۱۱)؛ «وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹).

ارتباط جامعیت با جهانی‌بودن اسلام این است که میان این دو مقوله، تلازم برقرار است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۲۴). همان ادله‌ای که بر جهانی‌بودن اسلام دلالت می‌کند، مستلزم جامعیت قرآن نیز است. اگر دعوت اسلام، عام و فراگیر باشد، باید دستوراتش نیز تأمین‌کننده نیازهای جامعه باشد. از این‌رو، لازمه جهانی‌بودن، جامع‌بودن دین است (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۲۷). همچنین میان خاتمیت و جامعیت تلازم وجود دارد. توضیح مطلب این است که خداوند شریعت‌ها را برای کمال حقیقی بشر فرستاد. قوانین و احکام مورد نیاز در هر دینی کامل‌تر می‌شود، تا اینکه در اسلام، آخرین دین الهی کمال یافت. با کنار هم گذاشتن این مقدمات، نتیجه‌گیری می‌شود که به حکم عقل، دین خاتم نمی‌تواند ناقص باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۴).

روایات ائمه معصوم^ع نیز بر جامعیت اسلام دلالت دارد. در روایتی از امام رضا^ع خطاب به عبدالعزیز بن مسلم آمده است: «... همانا خداوند عزوجل، پیامبرش را قبض روح نکرد، تا اینکه دین را برایش کامل نمود و قرآن را، که تفصیل همه چیز در آن است، بر او نازل ساخت. در آن، حلال و حرام و حدود و احکام و همه آنچه را مردم به آن نیاز دارند به طور کامل بیان کرده است. پس خداوند عزوجل فرمود: «ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۶-۴۳۷).

همچنین در حدیثی، امام باقر^ع به نقل از پیامبر اکرم^ص فرموده‌اند: «پنج چیز به من داده شده است که به هیچ پیامبری پیش از من داده نشده است: به سوی سفید، سیاه و قرمز فرستاده شده‌ام؛ زمین برای من پاک و مسجد قرار داده شده است؛ با وحشت یاری شده‌ام؛ غنایم برای من حلال شده است، درحالی‌که برای هیچ‌کس

همچنین در حدیثی از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام چنین نقل شده است: «عده‌ای از یهودیان، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و عرض کردند: «آیا شما رسول خدا و همان کس هستید که مانند موسی بن عمران بر او وحی می‌شود؟» ایشان لحظه‌ای سکوت کردند و در پاسخ فرمودند: «آری، من سرور فرزندان آدم هستم و به این افتخار نمی‌کنم، و من آخرین پیامبران و امام پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیان هستم». یهودیان عرض کردند: «به سوی چه کسی فرستاده شده‌اید؟ عرب یا عجم و یا به سوی ما؟» خداوند آیه «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» را نازل ساخت (صدق، ۱۳۷۶ق، ص ۱۸۷).

بررسی و تطبیق

در مبانی جهانی‌بودن مسیحیت کاتولیک و تشیع، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. نخست به بیان شباهت‌ها می‌پردازیم: اول. از میان مبانی، «جاودانگی» تنها مبانی بدون معارض در مسیحیت کاتولیک است که با مبانی جاودانگی در تشیع برابری می‌کند. این به معنای آن است که در این‌باره، در کتاب مقدس تعارضی وجود ندارد. در کتاب مقدس، شواهدی بر جاودانگی مسیحیت وجود دارد. در تشیع نیز آیات و روایات بسیاری بر جاودانگی اسلام دلالت دارد.

دوم. شباهت دیگر در مبانی جهانی‌بودن مسیحیت کاتولیک و تشیع، مربوط به روایات و کلماتی است که بر جهانی‌بودن تشیع مسیحیت دلالت دارد. عباراتی که به عنوان مبنا برای جهانی‌بودن بیان می‌شود، در هر دو کتاب مقدس هست. هر دو بر پیوستگی و استمرار مناصب (ولایت در تشیع و پاپی در مسیحیت) تا تحقق حکومت جهانی تأکید دارند. ولایت فقیه در زمان غیبت در تشیع، ادامه ولایت اهل بیت علیهم السلام است. همچنین مقام پاپ نیز ادامه‌دهنده رسالت رسولان است.

پس از بیان شباهت‌ها، تفاوت‌های مبانی جهانی‌بودن در مسیحیت کاتولیک و تشیع را تبیین می‌کنیم:

یک. در بحث خاتمیت، باید دلیل صریح نقلی معتبر اقامه شود. خاتمیت در مسیحیت، از این نظر دچار ضعف است که عبارت صریحی وجود ندارد که بر خاتمیت دلالت کند. بر عکس، در تشیع آیات و روایات بسیاری بر خاتمیت اسلام و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

شد. در واقع، «ختم نبوت» به این معناست که انسان از حیث استعداد و هوش به مرحله نهایی رشد عقلی خویش رسیده، و آخرین دین از حیث تعالیم، کامل‌ترین بوده و تکامل بشر به پایان رسیده است (قمشه‌ای، ۱۳۷۹، ص ۳۰۸). بلوغ و رشد عقلی انسان‌ها زمینه‌ساز بروز دین جهانی خواهد بود.

۴) جهانی‌بودن در آیات و روایات

آیات قرآن به روشنی بر جهانی‌بودن اسلام دلالت دارد. برای نمونه، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷)؛ ما تو را جز

برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف: ۱۵۸)؛

بگو: ای مردم، من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبأ: ۲۸)؛ و ما

تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداش‌های الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی.

همچنین آیه «فطرت» از جمله آیاتی است که بر جهانی‌بودن اسلام شیعی دلالت دارد. در این آیه، آمده است: «فَأَفِيقُ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰).

امور فطری با نهاد و سرشت انسان عجین و همراه است و نابودشدنی نیست و از سوی دیگر نیاز به دین هم امری فطری است. بدین‌روی، زوال‌ناپذیری، جاودانگی و جهانی‌بودن دین اثبات می‌شود (سجادی، ۱۳۸۳، ص ۶۵ و ۶۴).

روایات ائمه معصوم علیهم السلام نیز به طور صریح بر جهانی‌بودن اسلام

دلالت دارد. برای نمونه، مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان در

ذیل آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)، روایتی از امام باقر علیه السلام

نقل می‌کند که ایشان می‌فرمایند: «غلبه و پیروزی نهایی، هنگام قیام مهدی از آل محمد است که کسی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه به

محمد صلی الله علیه و آله اقرار کند» (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۸). امیرمؤمنان

علی علیه السلام نیز در ذیل همین آیه می‌فرمایند: «هیچ روستایی باقی

نخواهد ماند، مگر آنکه در صبح و شب، شهادت به وحدانیت خداوند

و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد داد» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۶۶).

باشند - تا بنده‌ای نتواند بگوید: ای کاش، این در قرآن نازل شده بود - مگر آنکه خداوند آن را در قرآن نازل ساخته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۹). در روایت دیگر، ایشان می‌فرمایند: «خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که موردنیاز مردم بوده است کم نگذارد، تا کسی نگوید: اگر فلان مطلب درست بود در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید! همه نیازمندی‌های بشر را خدا در آن نازل کرده است» (صدرالمآلهین، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۲۴).

چهار نکته دیگر در باب جامعیت، این است که شریعت موسوی، هم سیاسی بود و هم روحانی. اما شریعت عیسی فقط روحانی بود. از آنجاکه عیسی قصد تشکیل حکومت نداشت، نیاز نبود قوانین سیاسی وضع کند. در واقع، هدف ایشان تشکیل سلطنت نبود، بلکه ایشان به تأسیس جمعیتی روحانی متشکل از همه ملت‌ها می‌اندیشید، با این شرط که همه باید ایشان را خدا بدانند و به یکدیگر محبت کنند. عیسی تنها اصول و قوانین کلی‌تیرناپذیر با قابلیت اجرا در همه مکان‌ها و زمان‌ها را وضع نمود (میلر، بی‌تا، ص ۴۰ و ۴۱). بنابراین، مسیحیت کاتولیک از نظر سیاسی، جامعیت ندارد. «جاودانگی» نیز مانند «خاتمیت»، از جمله مبانی است که باید دلیل صریح نقلی بر آن اقامه شود. همچنین نباید دلیل دیگری وجود داشته باشد که آن را نفی کند. تفاوت مسیحیت کاتولیک با تشیع، این است که در کتاب مقدس، شواهدی وجود دارد که موجب نفی جاودانگی مسیحیت می‌شود. عبارتی در سفر پیدایش وجود دارد که در آن، به آمدن «شیلو» بشارت داده است و مطابق آن، همه امت‌ها باید از او اطاعت کنند (پیدایش، ۴۹: ۱۰). مراد از «شیلو»، شخصی غیر از عیسی است؛ زیرا تا به حال، شخصی به نام «شیلو» نیامده است و کسی عیسی را به «شیلو» تفسیر نکرده است. بنابراین، جاودانگی به عنوان مبانی جهانی‌بودن مسیحیت، خالی از اشکال نیست.

این در حالی است که جاودانگی در تشیع از اعتبار محکمی برخوردار است. نه تنها روایات در این زمینه، متعارض نیست، بلکه از هماهنگی کامل برخوردار است. استدلالی هم که بر مکتب بودن عهد جدید نسبت به عهد عتیق تأکید می‌کرد، ناقص است (صانعی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶-۱۷۷)؛ زیرا مسیحیت مدعی است که شریعت جدیدی آورده است. از سوی دیگر، مطابق ادعای موسی بن میمون،

وجود دارد. اساس خاتمیت در مسیحیت، یا از طریق اطلاق‌گیری از دستور به تبشیر از سوی عیسی به حواریون استفاده می‌شود؛ یا با استفاده از وعده آمدن ملکوت خدا، می‌توان خاتمیت را برداشت نمود. این در حالی است که در تشیع، به خاتمیت اسلام و رسالت پیامبر اکرم تصریح شده است.

دو تفاوت دیگر، وجود شواهدی در کتاب مقدس است که خاتمیت در مسیحیت را زیرسؤال می‌برد. در کتاب مقدس، نه تنها سخنی از عیسی نقل نشده که بر خاتمیت رسالت ایشان دلالت کند، بلکه عباراتی از کتاب مقدس وجود دارد که به آمدن پیامبری دیگر بعد از عیسی بشارت می‌دهد. اگرچه پیامبران بعد از عیسی دارای شریعت نبودند و رسالتشان در راستای رسالت عیسی بوده است، اما برای اثبات خاتمیت، نباید هیچ پیامبری - حتی پیامبری که شریعت ندارد - بعد از پیامبر مدعی خاتمیت بیاید. آمدن پیامبر دیگر، موجب احتمال قطع نشدن سلسله رسالت می‌شود.

سه اختلاف دیگر در مبانی جهانی‌بودن مسیحیت و تشیع، اختلاف در جامعیت است. کتاب مقدس، عاری از عباراتی است که به صراحت بر جامعیت مسیحیت دلالت کند. کلمات عیسی در موعظه کوه، تنها بر مکتب بودن انجیل نسبت به تورات دلالت دارد. به نظر می‌رسد که از مکتب بودن انجیل نسبت به تورات، نمی‌توان جامعیت آن را در همه زمینه‌ها و همه دوران‌ها استفاده کرد. با حذف شریعت، جایگزینی اخلاق به جای شریعت نیز قادر به برآوردن نیازهای دنیوی انسان نیست؛ زیرا اخلاق در کاتولیک، تشریفی محسوب می‌شود و در قالب اوامر و نواهی بیان نشده است (باغبانی و رسول‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۳۰۴). نه ضرورت دارد که به واسطه خداوند تعیین شود و نه اینکه مطابق با قوانین طبیعی وضع شود. بنابراین، نقص آن، این است که هیچ‌گونه الزام و ضمانت اجرایی از سوی خدا ندارد (همان، ص ۵۲۴). بنابراین، مسیحیت حتی پاسخگوی نیازهای دنیوی بشر نیز نخواهد بود. این در حالی است که تشیع در این‌باره سرشار از آیات و روایاتی است که بر جامعیت دلالت دارد. برای نمونه، خداوند در سوره «نحل» می‌فرماید: «وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۱۹).

همچنین امام صادق در این‌باره می‌فرماید: «خداوند - تبارک و تعالی - توضیح همه چیز را در قرآن نازل کرده، تا آنجا که به خدا قسم، خداوند رها ننموده است هیچ چیزی را که بندگان به آن محتاج

انسان‌شناسی خاص است. جهانی‌بودن اسلام در گرو آن است که برای انسان، ذات، جوهر، حقوق و غایتی قابل‌باشیم (ادیب، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹). همچنین انسان فطرتاً هویتی الهی دارد و از هرگونه تعلقات جغرافیایی، قومی و نژادی زوال‌پذیر به دور است. دلیل بر سرشت پاک انسان، آیه «فطرت» است که بر فطرت پاک توحیدی انسان دلالت دارد.

این در حالی است که جهانی‌بودن مسیحیت کاتولیک بر انسان‌شناسی دیگری مبتنی است. در مسیحیت، انسان گناهکار معرفی شده است. برخی از ویژگی‌هایی که در تشیع به انسان نسبت داده شده است، در مسیحیت وجود ندارد. بر خلاف مسیحیت، تشیع بر فطرت پاک توحیدی، کرامت و مقام خلافت الهی تأکید دارد. در الهیات مسیحی، انسان موجودی ذاتاً گناهکار است که این سرشت گناه‌آلود به واسطه توارث، از آدم^ﷺ به نسل انسان منتقل شده است.

تأثیر عمده گناه نخستین آدم^ﷺ بر نسل انسان این است که سرشت او گناه‌آلود شد. گناه ذهن بشر را تاریک و ضعیف گردانیده، اجازه نمی‌دهد تا گناه‌کار درست فکر کند و به حقایق متعالی دست یابد. بر اساس دیدگاه مسیحیت، اراده انسان ضعیف شده است. خود به‌تنهایی نمی‌تواند به نجات دست یابد. تنها با فیض و خواست الهی، نجات محقق خواهد شد (مک‌گراث، ۱۳۹۲، ص ۶۸۱-۶۸۲). این در حالی است که در تشیع، اراده انسان به جای خود باقی است و می‌تواند با اختیار خویش، در تحقق حکومت جهانی تلاش کند.

عدم تحریف کتاب آسمانی، مبنای دیگری است که مسیحیت کاتولیک از آن محروم است. به واسطه آن، جهانی‌بودن تشیع از جهانی‌بودن مسیحیت کاتولیک متمایز می‌شود. یکی از فلسفه‌های آمدن شریعت جدید، تحریف در ادیان پیشین است. امت‌های پیشین به خاطر فقدان کتاب‌های آسمانی یا تحریف، به کتاب‌های آسمانی جدید نیاز داشتند. این نکته در اسلام معنا ندارد (قدردان قراملکی، ۱۳۹۲، ص ۹۱۸۰). آیات و روایات به روشنی بیانگر تحریف نشدن قرآن است (کهف: ۲۷؛ زمر: ۲۸).

نکته قابل توجه درباره تحریف نشدن قرآن، این است که بر اساس خاتمیت دین اسلام با نبوت پیامبر اکرم^ﷺ تحریف قرآن موجب گمراهی بشر و نقض غرض و مخالفت با حکمت خداوند است (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶). بنابراین، ویژگی تشیع نسبت به مسیحیت کاتولیک، این است که کتاب آسمانی بدون دستبرد،

مسیحیت نمی‌تواند شریعت جدید باشد. بنابراین، این استدلال برای جاودانگی مسیحیت کافی نیست. همچنین دلیل عقلی در بحث جاودانگی، زمانی حجیت دارد که دلیل نقلی یا عقلی برخلاف آن وجود نداشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که جاودانگی تورات برای مسیحیت مفید نخواهد بود.

پنجم. اختلاف بعدی مربوط به مبانی نقلی جهانی‌بودن دین در مسیحیت کاتولیک و تشیع است. اگرچه عبارات رسولان، در دلالت بر جهانی‌بودن مسیحیت هماهنگ است، اما کلمات عیسی^ﷺ هماهنگی ندارد؛ برخی بر جهانی‌بودن و برخی بر قومی بودن مسیحیت دلالت دارد. این در حالی است که مبانی نقلی جهانی‌بودن دین در تشیع، از قوت و هماهنگی کامل برخوردار است. همچنین عبارتی از عیسی^ﷺ نقل شد که بر جاودانگی کلام ایشان دلالت داشت (متی، ۲۴: ۳۵). این عبارت احتمال دارد به این معنا باشد که کلام ایشان توسط پیامبر اکرم^ﷺ باقی خواهد ماند.

نکته بعدی، که اصل استناد به کتاب مقدس با آن زیرسؤال می‌رود، اعتبار کتاب مقدس است. به اعتقاد مسیحیان، عیسی^ﷺ کتابی نداشته است. اناجیل نیز تنها زندگی‌نامه و کلمات ایشان است و وحی محسوب نمی‌شود (توفیقی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۶). همچنین اعتراف به وجود تناقضات و نامعقول بودن کتاب مقدس از سوی اندیشمندان مسیحی، موجب کاسته شدن اعتبار آن می‌شود (ولف، بی‌تا، ص ۲۱).

مبانی مشترک مسیحیت کاتولیک و تشیع بررسی شد. در عین حال، تشیع از مبانی خاصی برخوردار است که مسیحیت از آن محروم است. از جمله آنها، ابتدای این دین بر توحید و انسان‌شناسی است. نقش توحید در جهانی‌بودن اسلام را می‌توان در فطرت مشاهده نمود. در اسلام، فطرت انسان توحیدی است و مسیحیت از آن محروم است. اسلام در وضع قوانین و مقررات، به فطرت توجه بسیاری کرده است و خود را وابسته به قوانین فطرت می‌داند. فطرت نیز امری همگانی است. از این‌رو، قوانین اسلام جهانی و جاودانی گردیده است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۸۹-۱۹۰). این در حالی است که مسیحیت کاتولیک معتقد است فطرت پاک انسان به واسطه گناه آدم^ﷺ گناه‌آلود شده است. این مبنا و مبنای انسان‌شناسی در تشیع در یک راستا معنا پیدا می‌کند.

توضیح مطلب آن است که جهانی‌بودن اسلام، مبتنی بر یک

نیست. سرشت انسان به واسطه گناه نخستین آدم ﷺ گناه‌آلود شد، اختیارش ضعیف گشت، و در نتیجه، او به‌تنهایی قادر به نجات نخواهد بود. تنها با فیض و اراده الهی، بدون دخالت بشر، حکومت و دین جهانی محقق خواهد شد و انسان به نجات دست خواهد یافت.

در بحث مبانی نقلی جهانی‌بودن، اگرچه عبارات رسولان به صورت هماهنگ بر جهانی‌بودن دلالت دارد، اما عبارات عیسی ﷺ از هماهنگی برخوردار نیست، درحالی‌که مبانی نقلی تشیع در این باره از هماهنگی کامل برخوردار است. در مبانی مهمی همچون خاتمیت و جاودانگی، باید دلیل صریح نقلی معتبر اقامه شود. تشیع سرشار از آیات و روایاتی است که به‌طور صریح، بر خاتمیت و جاودانگی دلالت دارد. اما در مسیحیت، نه‌تنها دلیل صریح محکمی وجود ندارد، بلکه موارد نقض متعددی نیز وجود دارد. در تشیع، مبنای جامعیت نیز از پشتوانه محکم آیات و روایات برخوردار است. اما مسیحیان برای ادعای جامعیت خود، دلیلی از عبارات عیسی ﷺ و رسولان اقامه نکرده‌اند.

نقصان و زیاده بر پیامبر نازل شده و با همان کیفیت به دست مسلمانان رسیده است. این در حالی است که در مسیحیت، کتاب مقدس با دخالت بشر نگاشته شده است.

ارتباط عدم تحریف و جهانی‌بودن تشیع، این‌گونه قابل تبیین است که پیش‌فرض جهانی‌بودن یک دین، اتصال حقیقی با منبع وحی و دخالت نداشتن بشر در آن است. هرگونه دخالت و دخل تصرف بشر موجب سلب اعتماد بشر نسبت به آموزه‌های دین می‌شود و راه برای تحقق دین جهانی غیرممکن می‌شود. فرض بر این است که قرار است دین کاملاً الهی بر تمام جهان سیطره پیدا کند. با تحریف کتاب آسمانی، حکومت کاملاً دینی و وحیانی ممکن نخواهد بود. نسخ ادیان گذشته و آمدن شریعت جدید به خاطر نقص و تحریف آیات الهی بود. بنابراین، با تحریف نشدن قرآن، دیگر نیازی به شریعت جدید نیست و اسلام جهانی خواهد بود و ادیان گذشته جهانی نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

مبانی جهانی‌بودن دین در مسیحیت کاتولیک و تشیع بیان گردید. میان این دو آیین، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. عمده شباهت‌ها مربوط به مبنای جاودانگی است. در هر دو آیین، جاودانگی از پشتوانه نقلی برخوردار است. در بخش تفاوت‌ها نیز برخی از مبانی جهانی‌بودن تشیع، در مسیحیت وجود ندارد؛ مانند دین مبتنی بر فطرت توحیدی، تحریف نشدن کتاب آسمانی و مبنای انسان‌شناسی، در الهیات مسیحی، بحث ابتدای دین بر فطرت توحیدی مطرح نشده است؛ زیرا به اعتقاد مسیحیان، سرشت انسان با گناه آدم، گناه‌آلود شده است. تحریف نشدن کتاب آسمانی نیز مختص تشیع است؛ زیرا بر اساس تاریخ الهیات مسیحی، کتاب مقدس با دخالت بشر نگاشته شده است. این در حالی است که به اعتقاد تشیع، قرآن، هم در لفظ و هم در معنا، وحی الهی است و بشر هیچ نقشی در آن نداشته است. همچنین مبنای انسان‌شناسی در تشیع، بر اساس جایگاه خلافت، کرامت و سرشت پاک انسان مطرح شده است. در تشیع، انسان با کرامت، سرشت پاک و با اختیار می‌تواند به نجات دست یابد. از این‌رو، جهانی‌بودن تشیع توسط انسان کامل محقق خواهد شد. این در حالی است که در مسیحیت، کرامت و سرشت پاک انسان مطرح

منابع.....

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- ادیب، مصطفی، ۱۳۹۲، *آفاق جهانی تفکر شیعه*، تهران، دانشگاه امام صادق ﷺ.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کشف الغمّة فی معرفه الأئمه*، تبریز، بنی‌هاشمی.
- ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۸، *جامعیت قرآن: پژوهشی استنادی و تحلیلی از مسأله جامعیت و قلمرو آن*، رشت، کتاب مبین.
- باغبانی، جواد و عباس رسول‌زاده، ۱۳۹۳، *ساخت کلیسای کاتولیک*، تهران و قم، سمت و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- برقی، احمدین محمدین خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- بستانی، بطرس، بی‌تا، *دایرةالمعارف و هو قاموس عام لكل فن و مطلب*، بیروت، دارالمعرفه.
- توفیقی، حسین، ۱۳۸۹، *آشنایی با ادیان بزرگ*، چ سیزدهم، تهران، سمت.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *شریعت در آینه معرفت*، چ دوم، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، بی‌تا، *صحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۷۰، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- زیبیدی، محمدمرتضی، بی تا، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر.
- سجادی، سیدعبداللطیف، ۱۳۸۳، *ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)*، قم، چهارده معصوم.
- شبلنجی، مؤمن بن حسن و محمدبن علی صبان، ۱۴۲۶ق، *نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار*، بیروت، المكتبة العصرية.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، ۱۳۷۵ق، *الملل و النحل*، چ دوم، بیروت، دارالمعرفه.
- صانعی، مرتضی، ۱۳۹۱، *بررسی تطبیقی دعوت اسلامی و تبشیر مسیحی و راه کارهای دعوت اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صدرالمؤمنین، ۱۳۸۳، *شرح اصول کافی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۶ق، *الامالی*، تهران، کتابچی.
- _____، ۱۳۷۸ق، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جهان.
- _____، ۱۳۹۵ق، *کمال الدین و اتمام النعمه*، تهران، اسلامیه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ق، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، اسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الامالی*، قم، دارالتقافه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نورالتقلین*، قم، اسماعیلیان.
- عباشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية.
- قادری، محمدطاهر، ۱۳۹۰، *جامعیت و فراگیری در هدف بعثت انبیاء*، ترجمه سیدعبدالحسین رئیس السادات، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- قدران قراملکی، محمدحسن، ۱۳۹۲، *آیین خاتم*، تهران، کانون اندیشه جوان.
- قمشهای، محی الدین مهدی، ۱۳۷۹، *حکمت الهی عام و خاص*، تهران، روزنه.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۳۸۵ق، *ینابیع الموده*، چ هشتم، قم، محمدی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۶، *معارف قرآن (قرآن شناسی)*، تحقیق و نگارش محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۳۸۵، *التبیین فی المیزان*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق - الف، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- _____، ۱۴۱۳ق - ب، *الامالی*، قم، کنگره شیخ مفید.
- مک گراث، آلستر، ۱۳۹۲، *در سنامه الهیات مسیحیان (بخش دوم: مفاهیم اصلی الهیات)*، ترجمه گروه مترجمان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- میلر، ویلیام مک الوی، بی تا، *تفسیر کتاب اعمال رسولان*، بی جا، بی تا.
- وارد بارینگتون و دیگران، ۱۳۷۹، *مقدمه ای بر سناخت مسیحیت*، ترجمه همایون همتی، تهران، نقش جهان.
- واعظی، حسن، ۱۳۸۶، *استعمار فرانو، جهانی سازی و انقلاب اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ولف، کری، بی تا، *درباره مفهوم انجیل ها*، ترجمه محمد قاضی، چ دوم، تهران، فرهنگ.
- ویر، رابرت، ۱۳۷۴، *جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هرست، دیوید، بی تا، *شما شاهدان من خواهید بود*، ترجمه طاهره میکائیلیان، تهران، حیات ابدی.
- هودج، کارلوس، ۱۸۹۰، *نظام التعليم فی علم اللاهوت القویم*، ترجمه ابراهیم الحورانی، چ دوم، بیروت، نظارة المعارف العمومية الجلیة.
- Catechism of the Catholic Church*, 1999, London, Geoffrey Chapman.
- Cunningham, Lawrence S., 2009, *An Introduction to Catholicism*, New York, Cambridge University Press.
- Lindsay Jones, 2005, *Editor in Chief, Encyclopedia Of Religion*, Thomson Gale.